



افزایش قیمت نفت

سرمایه گذاری و انتظارات مدیران صنعتی



نصور مومنی



داود دانش جمفری



بهمن آرمان

شرکت‌کنندگان

در

میزگرد



فوق‌لیسانس مهندسی
صنایع، دکترای مدیریت
استراتژیک، مدیر عامل و
رئیس هیات‌مدیره شرکت
بازرگانی پتروشیمی

مهندس راه و ساختمان،
دانشجوی دوره دکترای
اقتصاد، نماینده مردم تهران
در مجلس شورای اسلامی

دکترای اقتصاد، کارشناس
ارشد مدیر و مشاور
صنعتی، اقتصادی و مالی
نمندادی از دستگاههای
اقتصادی کشور

اشاره

در کشورهای صنعتی دستیابی به دانش فنی و ابزارهای تولید و ترکیب آن با اندیشه‌های نو و مدیریت پویا به‌عنوان سه راه خروج از مدار توسعه‌نیافتگی و گام گذاشتن به جهان رشد و توسعه اقتصادی، علمی و فرهنگی مطرح است. در تعدادی از کشورها به عکس در اختیار داشتن ذخایر طبیعی و مواد معدنی موجب توسعه شد و به‌عنوان موتور محرکه رشد به‌کار گرفته شد. برزیل، مکزیک، شیلی و ونزوئلا از جمله این کشورها هستند که عملاً دوران توسعه‌نیافتگی را پشت‌سر گذاشته‌اند. اما کشورهای تولیدکننده نفت گروه دیگری از کشورها هستند که علی‌رغم درآمدهای نفتی، در زمینه توسعه اقتصادی توانسته‌اند دستاوردهای قابل توجهی داشته باشند.

پاره‌ای از نظریه‌پردازان مسائل سیاسی بر این باورند که کشورهای صنعتی و نیروهای استکباری تمایلی به توسعه اقتصادی و صنعتی کشورهای نفت خیز ندارند و به شیوه‌های گوناگون در این امر اخلاص ایجاد می‌کنند. این گروه چنین عنوان می‌دارند که صنعتی شدن موجب کاهش تمایل کشورهای نفت خیز به صادرات نفتی می‌شود که این یقیناً در راستای منافع کشورهای صنعتی نیست. البته در برابر چنین نظریه‌ای نقطه‌نظرهای دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه کشورهای مکزیک، ونزوئلا و اندونزی نیز از جمله کشورهای نفت خیز هستند، لیکن به ابزارهای تولید صنعتی نیز دست یافته‌اند.

ایران به‌طور سنتی در زمینه استفاده از درآمدهای ناشی از صادرات نفت خام و یا به عبارتی دلارهای نفتی عملکرد مناسبی نداشته و این درآمد تنها به ابزاری برای تامین نیازهای روزمره مردم تبدیل شده است. این مساله این توهم را به‌وجود آورده است که از موج جدید افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی بخش صنعت و تولید کشور بتواند دستاورد قابل توجهی داشته باشد. نظر به اهمیت مساله، تدبیر میزگرد این شماره خود را پیرامون مساله افزایش قیمت نفت، استفاده از درآمدهای نفتی به‌منظور سرمایه‌گذاری در طرحهای تولیدی و صنعتی و انتظارات مدیران صنعت نسبت به بهره‌گیری بهینه از این‌گونه درآمدها اختصاص داده است.

ضمن تشکر از میهمانان ارجمندی که دعوت تدبیر را برای شرکت در این میزگرد پذیرفتند باید یادآور شویم برای دوتن از مدعوین، حضور در این نشست میسر نشد که نظرات و پاسخهای آنها را پیرامون موضوع میزگرد در ادامه مطلب مطالعه خواهید کرد. آنچه در پی می‌آید حاصل این گفتگوست.



وزارتخانه رسماً اعلام کرده است که از ابتدای سال جاری تاکنون برای هیچ پروژه صنعتی، گشایش اعتبار انجام نگرفته است و این مساله نه تنها در تاریخ صنعت ایران بی سابقه است، بلکه نگرانیهای شدیدی را به وجود می آورد.

به طور خلاصه نکته ای که مطرح است این است که واقعه انتظارات بخش صنعت و کارشناسان اقتصادی از افزایش درآمدهای ناشی از نفت چیست؟ پیشنهاد می شود موضوع از دو بعد مورد بررسی قرار گیرد، نخست مساله ای که اخیراً مجلس شورای اسلامی در رابطه با صندوق ذخیره ارزی و مواردی که در برنامه ۵ ساله سوم در نظر گرفت، جنبه دیگر توضیحات آقای دکتر معظمی خواهد بود که می تواند از نگرانیهای ما دال بر اینکه چرا دلارهای نفتی تبدیل به کالاهای سرمایه ای نمی شوند کم کند. البته باتوجه به اینکه ایشان یکی از مسئولان شرکت صنایع پتروشیمی هستند و اخیراً نشریه مید (بررسیهای اقتصادی خاورمیانه) گزارشی را منتشر کرد که ایران در زمینه جذب منابع ارزی و سرمایه گذاری در بخش پتروشیمی موفق بوده است. این مسئله از اهمیت بیشتری برخوردار می شود.

معظمی: نخست باید دید جایگاه نفت در اقتصاد ما چگونه است؟ ضمناً به اختلاف فیمابین ۴۲۷

سرمایه ای کرد و از طریق آنها داراییهای ثابت و مولد به وجود آورد. بررسیهای صورت گرفته نشان می دهد که از سال ۱۳۴۵ که دوره دوم توسعه اقتصادی در ایران شروع شد تا سال ۱۳۷۷ بالغ بر ۴۲۷ میلیارد دلار درآمد ناشی از فروش نفت بوده است. آمار و ارقام به دست آمده که متأثر از اطلاعات گمرک است نشان می دهد که طی این مدت تنها ۸۱ میلیارد دلار کالاهای سرمایه ای در معنای عام خود وارد کشور شده است که شامل ماشین آلات، تجهیزات تولید و استخراج نفت و نیروگاهها و قطعات یدکی نیز بوده است، یعنی تمامی کالاهای سرمایه ای وارد شده در راستای گسترش مبانی تولید داخلی نبوده است. بازتاب این مساله روی رقمهای سرمایه گذاریها خیلی کلیدی بوده است، به طوری که به زحمت در یک مقاطع خاصی توانستیم نسبت سرمایه گذاریها به تولید ناخالص داخلی خود را به قیمتهای جاری درج بالا تر از ۲۵ قرار دهیم. اکنون این نسبت به قیمتهای ثابت بین ۱۶ تا ۱۷ درصد در نوسان است. این مساله خود نشان دهنده این واقعیت است که ما توانستیم از این ابزار به گونه ای استفاده کنیم تا در نهایت، گسترش مبانی تولید داخلی تحقق یابد.

اخیراً از طرف وزارت صنایع در جریان یک خبر نگران کننده ای قرار گرفتیم دال بر اینکه این

آرمان: به نام خدا. ضمن تشکر از حضور آقایان در این جلسه، به عنوان مقدمه باید عرض کنم قیمتهای نفت برخلاف آنچه که پیش بینی می شد و حتی محافل معتبر بین المللی هم عنوان می کردند، یک روند افزایشی از ابتدای سال جاری نشان داده است و در نتیجه درآمدهای نفتی کشور هم عملاً نسبت به آنچه که پیش بینی می شد افزایش یافته است. رقمهایی که در مورد افزایش درآمدهای نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس عنوان می شود رقمهای قابل توجهی است، به طوری که حتی اخیراً گفته شد عربستان سعودی تصمیم دارد برنامه های ریاضت طلبانه خود نظیر وضع مالیاتها و قیمتهای جدید را برای خدمات دولتی کنار بگذارد و یا حداقل برای مدتی مسکوت بگذارد.

در مورد کشور ما عملاً مشاهده می شود که پدیده خاصی اتفاق نیفتاده است و لذا از طرف بدنه اجرایی و نیز بدنه کارشناسی کشور و مردم عادی این پرسش مطرح است که باتوجه به افزایش نسبی درآمدهای نفت، بازتاب آن در زندگی مردم چگونه است؟

نفت و کالاهای سرمایه ای

مهمترین مساله ای که اکنون از دید بنگاههای صنعتی بایستی مورد بررسی قرار گیرد و دغدغه دایمی کارشناسان است این است که چگونه می توان دلارهای نفتی را تبدیل به کالاهای

میلیارد دلار و ۸۱ میلیارد دلار که ۳۴۶ میلیارد دلار است اشاره شد. شاید بتوان گفت این اختلاف صرف هزینه‌های جاری شده است، نه سرمایه‌گذاری. روندها نشان می‌دهد که وابستگی بودجه کل کشور به نفت طی سالهای گذشته بیشتر شده است و نفت تنها منبع تامین‌کننده منابع ارزی کشور است. بودجه سال ۷۸ را نگاه کنید مشاهده خواهید کرد که برای مثال مبلغ ۴ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی در مقابل حدود ۱۶ میلیارد دلار درآمد نفت پیش‌بینی شده است. واقعیت این است که اگر نگاه جدیدی به درآمدهای نفتی نکنیم و درآمدهای نفت را به‌عنوان یک سرمایه ملی به بخش تولید و سازندگی تزریق نکنیم قطعاً با این روند در آینده دچار یک خلاء بزرگ خواهیم شد.

هم‌اینک وضعیت تولید در دنیا به‌گونه‌ای است که کشورهای صاحب نفت به دنبال پیدا کردن منابع جدیدی هستند که قیمت تمام شده آن کمتر باشد و شاید بتوان گفت که از لحاظ منابع، مشکل زیادی در دنیا وجود ندارد. از طرف دیگر تاریخ اوپک نشان می‌دهد که جایگاه اوپک از لحاظ تصمیم‌گیری و تاثیرگذاری، متأسفانه نه تنها قویتر نشده، بلکه روبه کاهش گذاشته است. روند نشان می‌دهد که چشم‌انداز آینده قیمت نفت روشن نیست. بنابراین برای ما نفت نمی‌تواند، منبعی باشد که بتوانیم به صورت جدی روی آن تصمیم‌گیری کنیم. مصرف‌کنندگان نفت به دنبال آن هستند که منابع خود را ثابت‌تر و ارزان‌تر پیدا کنند. از هزار میلیارد بشکه ذخایر نفت، حدود ۷۰۰ میلیارد بشکه آن در خاورمیانه است، که بخش عمده آن مربوط به ۵ کشور است. به بیان دیگر، قیمت تمام شده نفت در خشکی در مقایسه با نفت نقاط دیگر بالا نیست. قیمت تمام شده نفتی که از منابع آبی استخراج می‌شود بیشتر است.

نتیجه اینکه اولاً منطقه خاورمیانه، همیشه منطقه مساله‌داری خواهد بود و خریداران نفت هم به دنبال این هستند که انرژی ارزانی به‌دست آورند. ثانیاً تلاش خریداران نفت این است که به‌نحوی حاکمیت سیاسی و اقتصادی را در منطقه در دست داشته باشند. علی‌القاعده نفت باید به‌عنوان یک کالا مطرح باشد. در این صورت باید قوانین اقتصادی بر آن حاکم باشد (قانون عرضه و تقاضا)، اما عملاً می‌بینیم که چنین اتفاقی نمی‌افتد.

قیمت نفتی که در اختیار داریم دست ما

ما اعتقاد داریم که ۱ - ارزش افزوده بیشتر در فرآورده‌های میان تقطیر است. ۲ - ارزش افزوده بخش پتروشیمی به مراتب بیشتر از فرآورده‌های میان تقطیر است. البته هریک از فرآورده‌های میان تقطیر ارزش خاص خود را دارد. کاری که در برنامه اول و دوم توسعه در پتروشیمی صورت گرفت این بود که فکر کردیم پتانسیلی در کشور وجود دارد و لازم است این توانایی بالقوه را به بالفعل تبدیل کنیم. لازم است در اینجا من چند



آرمان: دغدغه دایمی کارشناسان این است که چگونه می‌توان دلارهای نفتی را تبدیل به کالاهای سرمایه‌ای کرد و از طریق آنها داراییهای ثابت و مولد به‌وجود آورد.



نیست. نفتی است که تکنولوژی آن را نداریم و باید از خارج تهیه کنیم. علاوه بر این چون تولیدکننده انحصاری نفت نیستیم و در یک بازار نسبتاً رقابتی قرار داریم طبیعی است که اگر درست عمل نکنیم رقبای دیگر این بازارها را از دست ما خواهند گرفت. از طرف دیگر کشور ما به شدت به درآمدهای نفتی وابسته است. به هر حال از یک طرف قیمت نفت دست ما نیست و از سوی دیگر به شدت نیازمند فروش آن هستیم. این مساله برای ما محدودیتهایی به‌وجود می‌آورد و مسایلی را دیکته می‌کند که نگران‌کننده است. نتیجه اینکه باتوجه به این شرایط، اتکالی بیش از حد به مساله نفت بسیار خطرناک و نگران‌کننده است.

ارزش افزوده بیشتر

مقام معظم رهبری سال گذشته طی سخنانی آرزو کردند که روزی ما از این وابستگی به نفت نجات پیدا کنیم. واقعیت این است که اگر بخواهیم این سخن را محقق کنیم باید به سمت پایین دست و استفاده از منابع نفتی که ارزش افزوده بیشتری دارد برویم.

رقم عرض کنم. ظرفیت پتروشیمی ما در سال ۵۷، ۵ میلیون تن انواع محصولات شیمیایی بود. در پایان برنامه اول، این رقم نزدیک به ۱۲ میلیون تن رسید، یعنی حدود ۷ میلیون تن ظرفیت‌سازی بوده است. البته از سال ۵۷ تا پایان برنامه اول فاصله زیادی است. جنگ تحمیلی ۸ ساله به دلیل واقع شدن مجتمع‌ها و منابع ما در مناطق آسیب‌پذیر، عملاً امکان سرمایه‌گذاری در بخش پتروشیمی را سلب کرد. در مجموع در برنامه اول در این بخش جهش بسیار خوبی داشتیم. شروع برنامه دوم توسعه، با جریان پرداخت بدمی کشورها مواجه شد و لذا مجلس محترم در رابطه با توسعه پتروشیمی سکوت کرد و ما این کار را از طریق بودجه سالیانه و مجمع خودمان دنبال کردیم. بنابراین از پایان برنامه اول تا سال ۷۴ هیچ طرحی شروع نشد و در پایان سال ۷۴، اولین کلنگ طرح متانول در خارک به زمین زده شد. در حال حاضر تصویر برنامه‌هایی که ما دنبال می‌کنیم چنین است: ده طرح با ظرفیت ۶ میلیون تن و با میزان سرمایه‌گذاری سه میلیارد دلار در دست ساخت داریم. خوشبختانه می‌توان گفت تقریباً تمام کارهای فایننس این طرحها انجام شده و مجلس شورای اسلامی هم در این سالها در قالب تبصره‌های قانون بودجه این اجازه را به پتروشیمی داده است که جای تشکر دارد. ما هم از این فرصت طلایی استفاده کرده و قراردادهایی را منعقد کردیم. از ابتدای سال جاری تاکنون حدود ششصد میلیون دلار گشایش اعتبار کرده‌ایم و نزدیک ۴۵۰ میلیون دلار هم در سیستم بانکی داریم که در حال گشایش است و بقیه آن را هم تا سقف ۱/۹ میلیارد دلار تحویل سیستم بانکی خواهیم داد. نگرانی که آقای دکتر آرمان به آن اشاره کردند مربوط به بخش صنایع پایین دست است. وضعیت ما در پتروشیمی، متفاوت با صنایع پایین دست ماست. در اینجا نکته‌ای را عرض کنم که اعدادی که اشاره کردم به هیچوجه اعداد قانع‌کننده‌ای نیست که متناسب با نیازمان

یکی از موارد مصرف این مازاد، نیاز دستگاههای دولتی است. مورد دیگر تامین نیاز بخش صنعت در بخش خصوصی است که در این مورد تقاضای زیادی نیز وجود دارد.

حالت دیگر این است که این رقم را در بودجه سال ۷۹ تزریق کنند. خصوصیت این پیشنهاد آن است که وقتی موضوعی مانند تقسیم ۴۰۰ میلیون دلار مازاد در مجلس بررسی می‌شود، ممکن است باتوجه به سلیقه‌های موجود در مجلس تصمیمات متنوعی گرفته شود و حتی منجر به استفاده از یک کسر بودجه جدید هم بشود. بنابراین شاید یکی از راهها این باشد که این مبلغ را در بودجه سال ۷۹ به‌عنوان درآمدهای ناشی از سال ۷۸ تزریق کنند و مورد مصرف قرار دهند. نتیجه بحث این است که اعم از اینکه از این مبلغ مازاد استفاده بشود یا نشود، به‌نظر نمی‌رسد این مبلغ خیلی اثر تعیین‌کننده‌ای در وضعیت دستگاههای صنعتی و دولتی و بخش خصوصی داشته باشد، زیرا برای سال جاری درآمدهای ارزی کشور در حداقل خود پیش‌بینی شده بود و در واقع سیستم کشور فقط در جهت چرخاندن امور جاری آن هدفگیری شده بود.

اتکای کمتر به نفت

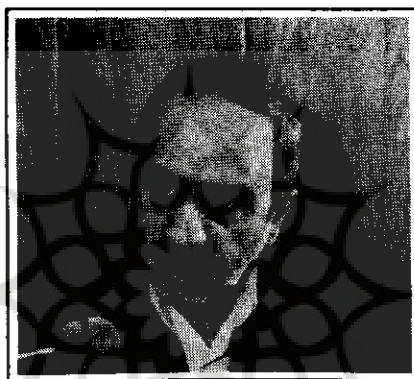
بعد دیگر در ارتباط با اقتصاد کشور در درازمدت است. باتوجه به موقعیت نفت در کشور ما وابستگی شدید بودجه دولت و طرحهای عمرانی و حتی بخش خصوصی به درآمدهای نفتی، موقعیت کشور بسیار شکننده شده است. بنابراین لازم است از این وضعیت خارج شده و بتوانیم شرایطی که اتکای کمتری به نقش نفت داشته باشد به‌دست آوریم.

این نکته را هم یادآور می‌شوم که آمارهای موجود نشان‌دهنده این است که از کل تولیدات پتروشیمی جهان، کشورهای خاورمیانه حدود ۳/۴ درصد از تولید جهان را در اختیار دارند که سهم ایران از این رقم، حدود ۱۵ درصد است. این در حالی است که عربستان بالای ۵۶ درصد، ترکیه ۱۴/۷ درصد و فلسطین اشغالی حدود ۷ درصد محصولات پتروشیمی را در خاورمیانه در دست دارند. سهم ۳/۴ درصدی خاورمیانه از پتروشیمی جهان نشان‌دهنده این واقعیت است که علی‌رغم اینکه قلب تولید نفت دنیا در خاورمیانه است، عمده ارزش افزوده این کالای حیاتی در خارج از خاورمیانه صورت می‌گیرد.



معظمی:

روندها نشان می‌دهد که طی سالهای گذشته وابستگی بودجه کل کشور به نفت بیشتر شده است و نفت تنها منبع تامین‌کننده منابع ارزی کشور است.



چگونگی تقسیم مازاد

در مورد اینکه سیاست کلی کشور درباره این سه میلیارد دلار چیست؟ باید عرض کنم که تقریباً هیچ تصمیم جدیدی در این مورد نمی‌توان گرفت. زیرا یک میلیارد دلار از این مبلغ در قانون بودجه پیش‌بینی شده بود که اگر درآمدها فراتر از آنچه پیش‌بینی شده باشد، یک میلیارد دلار آن به پرداخت بدهی‌های ارزی سالهای قبل اختصاص خواهد یافت. از دو میلیارد دلار بقیه برابر اطلاعات واصله، تقریباً ۱/۶ میلیارد دلار به دستگاههای دولتی اختصاص خواهد یافت که صرف پروژه‌های سرمایه‌گذاری و شرایط خاص در کشور مانند خشکسالی، کم‌آبی و واردات گندم و علوفه خواهد شد.

بنابراین اگر پیش‌بینی‌ها دقیق باشد و سه میلیارد دلار محقق شود، تقریباً چهارصد میلیون دلار نسبت به آنچه که در قانون پیش‌بینی شده است مازاد خواهیم داشت. البته دولت هم مشغول بررسی است که آیا این مبلغ را به استفاده سال بعد بگذارد و یا اجازه بگیرد که برای موضوع خاصی مصرف شود.

در کشور باشد. ما امیدواریم انشاء... نیازی را که در رابطه با توسعه صنعتی پتروشیمی در ایران وجود دارد محقق شود.

آرمان: ما در شرایطی قرار داریم که درآمد نفت بنابه دلایلی روبه افزایش است. البته آقای دکتر معظمی به نقل از محافل کارشناسی عنوان کردند که قیمت نفت در آینده نزدیک، ثابت ندارد. ولی از طرف دیگر محافل دیگری وجود دارند که عنوان می‌کنند ذخایر نفت شمال روبه پایان است و از سال ۲۰۰۲ کاهش تولید در این منطقه شروع خواهد شد و همین وضع در اندونزی هم مشاهده می‌شود. به‌همین جهت تکیه بر منابع اوپک، افزایش خواهد یافت و این مساله موجب خواهد شد تا در نهایت قیمتها بالا نگاه داشته شود تا سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه‌های نفتی جدید توجیه‌پذیر باشند.

کارشناسان اقتصادی بویژه مدیران صنعتی می‌خواهند بدانند برخورد مجلس شورای اسلامی با این مساله و نیز راههای استفاده از این ابزار در جهت توسعه پویا و پایدار چگونه است؟ باتوجه به اینکه شاهد هستیم در وزارتخانه‌های صنعتی، هیچگونه ارزی برای پروژه‌های توسعه‌ای جذب نشده است و به‌بیان دیگر از مجموعه درآمدهای ارزی کشور برای سرمایه‌گذاری‌های تولیدی حتی در حد ده درصد هم استفاده نشده است.

اکسون از آقای مهندس دانش جعفری درخواست می‌شود باتوجه به این توضیحات، افق روشن‌تری از این مسایل را برای خوانندگان تدبیر ترسیم کنند.

دانش جعفری: دستور جلسه را می‌توان از دو بعد بحث کرد: بحث اصولی کشور در درازمدت و نیز بحث سال جاری. در قانون بودجه سال ۷۸، ارقامی مندرج است. برای مثال برای هر بشکه نفت صادراتی، ۱۱/۸ دلار قیمت پیش‌بینی شده است. باتوجه به اینکه صادرات نفت کشور به‌گونه‌ای است که نفت ما باارقمی بالاتر از این مبلغ فروخته شده است، بنابراین سوال این است که با مازاد آن چه کار باید کرد؟

در مورد قانون بودجه سال ۷۸، پیش‌بینی‌هایی که تاکنون مطرح بوده بیانگر این واقعیت است که تا پایان سال ۷۸، نسبت به آنچه که در قانون بودجه سال ۷۸ پیش‌بینی شده است تقریباً سه میلیارد دلار درآمد ارزی مازاد خواهیم داشت.

نکته دیگر اینکه با وجود اینکه کشور ما از جهت نفت و گاز در شرایط ویژه و برجسته‌ای قرار دارد ولی مشاهده می‌کنیم که ما سهم کمی در تولیدات پتروشیمی داریم و حتی با ترکیه که فاقد نفت است برابر هستیم.

تلاشهایی که در برنامه‌های اول و دوم توسعه صورت گرفته است تلاشهای قابل تقدیری بود. اما نکته اساسی این است که بخش عمده‌ای از رقمی که آقای دکتر معظمی به آن اشاره کردند به کالاهای پتروشیمی مانند کود شیمیایی که ارزش افزوده کمتری دارند باز می‌گردد و مواد گران‌قیمت را کمتر در اختیار داریم. درحالی که سرمایه‌گذاری کشوری مانند عربستان بیشتر در آن قسمت است. به بیان دیگر هم از لحاظ کمی و هم از جهت کیفی، ما از رقبای سنتی خود در زمینه پتروشیمی عقب هستیم. عربستان در سال جاری روی ۷/۵ میلیون دلار صادرات فرآورده پتروشیمی حساب باز کرده بود که شاید در پایان سال بیشتر از پیش‌بینی‌های قبلی آنها باشد. بنابراین برای افزایش کیفی و کمی تولیدات پتروشیمی نیاز به تلاشی فوق‌العاده است.

اما سوال اصلی به سرمایه‌گذاری باز می‌گردد که چگونه می‌توان سرمایه‌گذاری در نفت را به گونه‌ای ایجاد کرد که چنانچه هر اتفاقی در قیمت‌های نفت افتاد نگرانی در مورد کاهش ارزش افزوده نداشته باشیم.

نقش موثر وزارت نفت

در این رابطه باید عرض کنم که نقش وزارت نفت، یک نقش حیاتی است. یعنی به‌طور کلی پدیده مشارکت مردم و خصوصی‌سازی که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت رسیدن به اهداف مورد بحث داشته باشد در داخل کشور با شدت لازم دنبال نمی‌شود. به‌طور مثال شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی با مشارکت مردم در صنعت نفت تشکیل شد. همه به‌خاطر دارند در ابتدا رشد قیمت سهام این واحد خیلی شدید بود به‌طوری که تمام توجهات را به خود جلب کرده بود. اما پس از مدتی این شرکت فقط توانست چند کارخانه پلاستیک‌سازی، پلی‌اتیلن و واحدهای کوچک را در اختیار بگیرد. در کسندوکاری که در این جهت داشتیم به‌نظر می‌رسید مدیریت وزارت نفت خیلی توافق با رهاکردن امکاناتی که در اختیارشان بود نداشتند و جهت‌گیری آن دولتی بود. حتی در شرکت‌هایی نظیر شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی که با

انداخت ۵ میلیارد تومان است، که این رقم نشان می‌دهد حتی سرمایه‌گذاریهای آن‌چنانی به‌راحتی توسط مردم صورت نمی‌گیرد. بنابراین الگویی که برای مشارکت خواهیم داشت الگوی مشارکت در سهام است که باید به‌گونه‌ای باشد که انگیزه سودآوری آن سهام بتواند سرمایه لازم را جلب کند.

نتیجه‌ای که از این قسمت بحث می‌گیرم این است که سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و پتروشیمی به‌خاطر مزیت نسبی برای ما یک ضرورت است، اما اتکا به منابع دولتی این مشکل ما را نمی‌تواند حل کند. ما باید در ابتدا از بخش خصوصی خودمان و در صورت لزوم از کشورهای دیگر در این جهت استفاده کنیم. وسعت نظر مجموعه مدیران وزارت نفت در این جهت می‌تواند راه را باز کند. من قدم اول را در واحدهای موجود دولتی می‌بینم و فکر می‌کنم هر منبع جدیدی ایجاد شد وزارت نفت می‌تواند در واحدهای جدید سرمایه‌گذاری کند. منافع آن برای کشور این خواهد بود که حجم تولید بالا خواهد رفت و ما می‌توانیم از موقعیت خدادادی در جهت خیلی خوب استفاده کنیم.

آرمان: از اینکه آقای مهندس دانش جعفری باین دقت و ظرافت مسایل را توضیح داده و حتی سهم کشورهای منطقه را در زمینه تولید کالای استراتژیک پتروشیمی به‌خوبی بیان کردند کمال تشکر را دارم. متأسفانه کارشناسان اقتصادی کشور، بیشتر به مسایل تئوریک می‌پردازند و از مسایل اجرایی به دور هستند که این یک مشکل بزرگ در راستای استفاده از نقطه‌نظرهای کارشناسی آنان است. من علاقه‌مند هستم به نکاتی که ایشان مطرح کردند چیزی را اضافه کنم. شاید خیلی تأسف‌آور باشد اگر گفته شود که بر پایه آمارهای جهانی در سال ۱۹۹۸، تولید فولاد در عربستان سعودی ۸ میلیون تن و تولید فولاد مذاب در همان سال در ایران ۵ میلیون تن بوده است. حتماً دوستان اطلاع دارند که برای سومین سال پیاپی است که امسال و احتمالاً سال آینده عدم رشد قابل توجه تولید فولاد را به‌عنوان یک کالای استراتژیک تجربه می‌کنیم. اما از صحبت‌های آقای دانش جعفری در مورد چگونگی تقسیم مازاد سه میلیارد دلار این نتیجه به‌دست می‌آید که این بار هم در واقع سرصنعت و بخش تولید کلاه رفته و چیزی عاید این بخش نشده است. سخنان مدیران کشور نشان‌دهنده



دانش جعفری:

پیش‌بینی‌ها بیانگر این واقعیت است که تا پایان سال جاری، نسبت به آنچه که در قانون بودجه سال ۷۸ پیش‌بینی شده است تقریباً سه میلیارد دلار درآمدرزی مازاد خواهیم داشت.



شرکت بعضی از مدیران وزارت نفت تشکیل شد جهت‌گیری لازم به نفع مردم صورت نگرفت. همچنین استفاده از تبصره ۳۵ که مدت ۲ سال است در قانون بودجه می‌آید ولی توفیق چشمگیری نداشته است. به بیان دیگر هم بخش صنعتی و هم صنایع پتروشیمی در این جهت اقدام چشمگیری انجام ندادند.

پیشنهاد اصلی من این است که مانند خیلی از کشورهای یک صنعت را بسازیم، به مرحله تولید برسانیم و سپس به مردم واگذار کنیم. این مشکل با حالتی که از ابتدا مردم شرکتی را پذیره‌نویسی کنند و برای آنها تولید و سوددهی سوال‌انگیز باشد، بهتر و ملموس‌تر است.

مشارکت در سهام

وزارت نفت می‌تواند دهها واحد تولیدی خود را به مردم واگذار کند و دهها واحد جدید هم بسازد و حتی با گرفتن وام از خارج یا شریک خارجی مراحل کار را گسترش دهد. ما صنایع پایین‌دستی پتروشیمی که سرمایه کوچکی را بتواند جذب کند نداریم. فکر می‌کنم حداقل سرمایه‌ای که بتوان با آن واحدهای کوچکی را راه

پتروشیمی را به عنوان یکی از معدود شرکتهای سرمایه گذاری می شناسم که توانسته است به امر ظرفیت سازی بپردازد. اگر عملکرد شرکتهای سرمایه گذاری دیگر را مطالعه کنید، مشاهده خواهید کرد که این امر اتفاق نیفتاده است.

دانش جعفری: بلی نسبی است، ولی در داخل بخش جزئی است.

آرمان: در کانادا قانونی به تصویب رسیده است. این قانون در پایان جنگ جهانی دوم در آلمان هم وجود داشت. بر پایه این قانون سرمایه افرادی که سهامدار شرکتهای سهامی عام بودند به مدت ده سال تضمین می شد بدین صورت که اگر عده ای از سهامداران می خواستند سهام خود را بازپس گیرند می توانستند متناسب با سود بانکی برداشت کنند. حال چنانچه پس از گذشت ده سال اقدام به فروش سهام خود نمی کردند حق داشتند بدون پرداخت مالیات در درآمد حاصل از سرمایه گذاری شرکت کنند و این یک انگیزه بسیار بزرگ برای مردم بود. جالب اینکه ما یک شرکت سرمایه گذاری در ایران ایجاد می کنیم و انتظار داریم که کار بلندمدت انجام دهد، ظرفیت سازی کند و در عین حال سود هم بدهد. قطعاً این دو با یکدیگر در تناقض اند و به همین خاطر است که شرکتهای سرمایه گذاری به سمت دیگری هدایت می شوند.

معظمی: به اعتقاد من، ما نباید برای افزایش درآمد نفت کیسه بدوزیم. زیرا بودجه سال ۷۸، یک بودجه کاملاً انقباضی است و در حداقل قرار دارد و ما آثار و تبعات آن را در جامعه نیز مشاهده می کنیم. اگر رقم سه میلیارد دلار را پنج برابر هم بکنیم مشکلی را حل نمی کند، زیرا نیاز ارزی در بخشهای مختلف کشور به شدت بالاست.

من شخصاً معتقدم کمبود ارز برای ما و بویژه برای بخش صنعت، نعمت است. اگر ما از این فرصت استفاده کردیم و خودمان را ساختیم موفق هستیم، در غیر این صورت همین وضع را خواهیم داشت.

آقای دکتر آرمان به افزایش قیمت نفت اشاره کردند. فرضاً اگر این روند افزایشی ادامه هم داشته باشد قطعاً هیچگاه نفت به قیمت واقعی نخواهد رسید، زیرا در یک طرف قضیه، منفعت



آرمان:

آن قدر بدنه دولت گسترش پیدا کرده است که عملاً (از مازاد درآمدهای نفتی) چیزی باقی نمی ماند که بتوان در بخش صنعت تزریق کرد و آنچه از درآمد نفت به دست می آید در تنور مصرف سوزانده می شود.



می بایستی صد درصد معادل ریالی را برای گشایش اعتبار بدهند که ندارند. بدنه کارشناسی کشور، قوانین و مقررات موجود را عامل این گونه مشکلات تلقی می کند. کارشناسانی که از دیدگاه سیاسی به مسایل نظر دارند می گویند ساختار اداره امور در کشورهایی مانند ایران به گونه ای است که این فرایند انجام نگیرد و عملیات تبدیل دلارهای نفتی به سرمایه گذاری های مولد هیچگاه صورت تحقق به خود نگیرد. بروز جنگ و درگیری در منطقه خاورمیانه، ایجاد ناامنی و نیز خریدهای تسلیحاتی سنگین از مواردی هستند که دقیقاً در این راستا به عنوان ابزارهای اجرایی به کار گرفته می شوند.

حال سوال این است که آیا بدنه اجرایی ما در بخش صنعت درست می گوید، یا شکل سیستماتیک قضیه، مانع انجام این فرایند می شود.

قبل از پاسخ آقای دکتر معظمی به این سوال، علاقه مند هستم نکته ای را به مطالب آقای دانش جعفری اضافه کنم که بنده به عنوان یکی از مدیران پیشین بورس، شرکت سرمایه گذاری

وجود یک جریان قوی برای جلوگیری از تبدیل درآمدهای نفتی به کارهای سازنده و تولیدی است. اینکه صنایع پتروشیمی حتی در حد سهمیه قانونی موفق به جذب درآمدهای نفتی نشده یا اینکه وزارتخانه های کلیدی مانند صنایع و معادن و فلزات موفق به گرفتن ارز برای طرحهای سرمایه گذاری خود نشده اند یک فاجعه است.

به عکس آنچه بر سر تولید افتاد وضع بازرگانان و واردکننده ها خوب بود. طی این مدت، واردات شکر در ایران برای اولین بار در طول تاریخ خود از یک میلیون تن فراتر می رود. به عبارت دیگر میزان واردات سرانه شکر که قبل از انقلاب ۴/۶ کیلوگرم بود به حدود ۱۵ کیلوگرم رسیده است. علاوه بر شکر، حدود یک میلیارد دلار واردات خوراک دام و نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار واردات روغن نباتی خام صورت گرفته است. این ارقام نشان دهنده این واقعیت است که بخش صنعت دوباره مغیوب شده است. به عبارتی پتروشیمی توانسته است تاکنون ۶۰۰ میلیون دلار گشایش اعتبار کند، در حالی که وزارت صنایع نتوانسته است به علت عدم پیگیری های لازم در زمینه تولید و سرمایه گذاری، کاری نکند همین وضع در مورد وزارت معادن و فلزات صدق می کند!!

بنابراین وضع چندان رضایت بخشی به نفع مدیران تولید و بخش صنعت نیست و دلارهای نفتی باعث افزایش مبانی تولید داخلی نشده است.

دانش جعفری: در واقع به این ترتیب واحدهای صنعتی برای اقتصاد بدون نفت داوطلب شده اند.

آرمان: در حقیقت آن قدر بدنه دولت گسترش پیدا کرده است که عملاً چیزی باقی نمی ماند که بتوانیم در بخش صنعت تزریق کنیم و آنچه از درآمد نفت به دست می آید در تنور مصرف سوزانده می شود. حال دو نظریه وجود دارد: کارشناسان صنعتی عنوان می کنند که قوانین و مقررات به گونه ای است که در راستای تبدیل دلارهای نفتی به سرمایه گذاری ها عمل نمی کند. برای مثال مجلس شورای اسلامی، صد میلیون دلار برای نوسازی صنایع نساجی اختصاص داد، ولی این رقم تا این لحظه نتوانسته است جذب شود.

شرکتهای نساجی که در حال بحران اند و توان تامین نقدینگی مورد نیاز خود را ندارند

نفت هوض کنیم و درآمد نفت را صرفاً در بخش تولید نگاه کنیم و هزینه‌های جاری را از سایر منابع تامین کنیم.

طرحهای پتروشیمی

در این قسمت از بحث مایلم در مورد چند نکته که آقای مهندس دانش جمع‌فوری اشاره داشتند به‌طور اجمالی توضیحاتی را عرض کنم. گفته شد در برنامه اول، صنایع پتروشیمی کالاهایی را تولید کرد که ارزش افزوده کمتری داشتند. استراتژی ما در برنامه اول، تامین نیاز داخلی و به‌طور خلاصه جلوگیری از واردات بود. عدم دانایی کافی را به این ویژگی باید اضافه کرد. در برنامه دوم، این استراتژی عوض شد. چون بخش عمده نیازهای داخلی را تامین کردیم و به‌دنبال پروژه‌هایی رفتیم که ارزش افزوده بیشتری داشتند. زیباترین کار در برنامه سوم صورت گرفت که خوشبختانه در مجلس هم به تصویب رسید. در توضیح این مطلب باید عرض کنم براساس برنامه‌های در دست اقدام برپایه برنامه دوم، به‌جای صنایع شیمیایی، به صنایع پتروشیمی و به‌صورت خاص به صنایع پلیمری پرداخته‌ایم. پلیمرها ارزش افزوده بالایی دارند. البته از لحاظ سرمایه‌گذاری، تکنولوژی آنها پیچیده است. قدم بعدی این بود که ظرفیتها را اقتصادی کردیم. ظرفیتها ما در برنامه سوم، جهانی است، در حالیکه ظرفیتها ما در برنامه دوم اقتصادی است. این دو تعریف جداگانه دارد. به‌عنوان مثال میزان متانول پتروشیمی شیراز ۹۰ هزار تن، متانول پتروشیمی خارک ۶۶۰ هزار تن و متانول سوم، یک میلیون تن است. جالب اینکه قیمت متانول سوم که نهایی کردیم از متانول دوم کمتر و ساخت داخلی آن نیز بیشتر است.

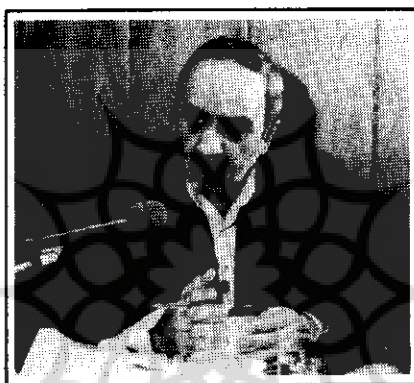
این یک سیاست‌گذاری است، یعنی در برنامه دوم تا حدی و در برنامه سوم به‌صورت خاص اصلاح کردیم. به‌عبارتی نگاه، نگاه صادرات است. می‌توان گفت که در برنامه دوم، حضور در بازار را یاد گرفتیم و این مساله کار بسیار سختی است. داشتن و گرفتن و حفظ سهم بازار و افزایش آن، یک کار بسیار پیچیده و تکنیکی در صنعت پتروشیمی محسوب می‌شود. زیرا رقبا بسیار قوی‌اند، توانایی بیشتری دارند و محدودیت‌های ما را ندارند.

باتوجه به‌اینکه اقبال بخش خصوصی روی طرحهای سرمایه‌گذاری مستقیم کم است.



معظمی:

ما نباید بی‌جهت از جذب سرمایه‌گذاری خارجی نگران باشیم. ما می‌توانیم در راستای اهداف نظام، بخشی از انبوه سرمایه‌های سرگردان را جذب کرده و از این طریق چالشهای اقتصادی را حل کنیم.



تعداد آنها هم قابل توجه است. دسته دیگر مدیرانی هستند که معتقدند باید آستینها را بالا زد و تلاش کرد. به‌راستی توفیقات تکنولوژی در دنیا چگونه به‌وجود آمده است؟ کشورها به‌این جمع‌بندی رسیدند که مادر تکنولوژی، نیاز است و سپس به خلق نوآوریها پرداختند. دوستان در صحبت‌های خود اشاره به عربستان کردند. در بخش تحقیق و توسعه سایبک عربستان، پانصد نفر از بهترین متخصصان فعالیت می‌کنند. بدون استثنا، شرکتهای بزرگ پتروشیمی دنیا به‌صورت ویژه به تقویت بخشهای تحقیق و توسعه پرداخته‌اند، به‌طوری که یکی از مدیران بزرگترین شرکتهای آلمان می‌گفت حیات ما فقط در تحقیق و توسعه است. خوشبختانه بازار پتروشیمی یک بازار بسیار بیرحمی است و این عامل خوبی است. ما در سالهای گذشته چه حسنی از انحصار دیدیم. من مجدداً تاکید می‌کنم که ما نباید از گشایشی که در زمینه افزایش درآمدهای نفتی صورت گرفته است شروع به پهن‌کردن سرفه‌هایی کنیم که قبلاً جمع کرده‌ایم. درجمع می‌توان گفت باید نگاهمان را از درآمد

بزرگی برای خریداران و مصرف‌کنندگان است. امروز دنیای نفت، دنیای خریدار است، نه دنیای فروشنده و خریدار است که نظراتش را دیکته می‌کند. نظر شخصی من این است که افزایش قیمت‌های نفت، بلندمدت نیست و در مقاطعی بالا نگاه می‌دارند تا بتوانند مقاصد سیاسی، اقتصادی و سایر هدفهای خود را دنبال کنند. حال باید از این فرصت استفاده کرده و به احیا، نوسازی و به بازسازی در صنعت پرداخت. به‌عنوان مثال در برنامه اول توسعه، سهم ارزی پروژه‌های پتروشیمی حدود ۶۰ درصد بود. این رقم در طرحهای فعلی ما حدود ۴۵ تا ۵۰ درصد است و در برنامه سوم توسعه قطعاً ۳۵ تا ۴۰ درصد خواهد بود. ما خودمان را نمی‌شناسیم، توانها و پتانسیل‌های فراوانی در صنعت داریم که استفاده نمی‌کنیم.

ظرفیت کارخانه‌هایی در واحدهای تولیدی مانند ساخت بویلر، بخشی از پمپها و بخشی از پاپها تا چندسال آینده پر است. چه فرصتی بهتر از این.

من به‌عنوان یک صنعتگر اعتقاد دارم که رمز موفقیت ما این است که بار دولت را کم کنیم. ما تا زمانی که مدیر دولتی هستیم طبیعی است که نخواهیم گذاشت تفکر حاکم به سمت بخش خصوصی حرکت کند. تجارب انجام‌شده نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی، نتایج مثبتی داده است. طبیعی است که در بخش خصوصی به‌علت تعلق خاطر و دلسوزی، بازدهی افزایش می‌یابد. من نمی‌خواهم ارزش کار مدیران دولتی را کم کنم، ولی نمی‌توانم منکر شوم که شرایط و فرهنگ یک مدیر دولتی با مدیر بخش خصوصی متفاوت است، بالاخص در کشور ما که دستگاههای نظارتی و موانع زیادی در سرراه وجود دارد.

تغییر نگاه به نفت

به‌اصل مطلب بازگردم. افزایش درآمد نفت نه امسال و نه سالهای دیگر، اصولاً مشکلات اصولی ما را حل نمی‌کند.

گفته می‌شود که حداقل نیاز ما مبلغ ۲۵ تا ۳۰ میلیارد دلار است. قطعاً با این وضع این رقم محقق نمی‌شود.

اما اینکه چه کار باید کرد؟ ما دو دست مدیران در صنعت داریم، یک دسته مدیران صنعتی و البته به‌شدت طرفداران آنها. منتظرند چه موقع درآمد نفت افزایش پیدا می‌کند تا از درآمدهای ارزی در تولید بهره بگیرند که متأسفانه

اجازه می‌خواهم مطلبی راجع به شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی عرض کنم. شاخص در سرمایه‌گذاری EPS است. EPS شرکت نسبت به خود سهم عدد قابل قبولی است و معمولاً ۳/۵ است. نکته‌ای که اشاره شد سوال خیلی افراد است که چرا قیمت سهام شرکت، رشدی با شیب خیلی بالا داشت، کاهش پیدا کرد و حالا یک حالت آرام به خود گرفته است. آمار بورس نشان می‌دهد که سهام شرکت مورد استقبال عمومی است و خریدار دارد. تحلیل ما این است که افزایش قیمت سهام در گذشته، یک افزایش غیر منطقی بود و نمی‌بایست اتفاق می‌افتاد. اما امروز به یک حالت آرامی رسیده است و جزو نوادر شرکتهای سرمایه‌گذاری است که کارهای تولیدی می‌کند. نه تنها شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی، بلکه هیچکدام از واحدهای آن هم کار بازرگانی انجام نمی‌دهند و صرفاً کار تولیدی می‌کنند و در حال حاضر هم هیچ شرکتی در شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی نیست که زیان‌ده باشد.

آرمان: من فکر می‌کنم به خاطر اطلاع مردم و نیز اطلاع آقای دانش جعفری که از نمایندگان تاثیرگذار در مسایل اقتصادی کشور هستند باید گفته شود که در حال حاضر مواد اولیه قوطی‌های نوشابه، روغن نباتی و خیلی از لوازم بسته‌بندی دیگر که PET گفته می‌شود با هزینه‌های بسیار گزاف از خارج وارد می‌شود. برای جلوگیری از خروج ارز، شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی برای اولین بار، یک کارخانه دست دوم از خارج خریداری کرده و این تکنولوژی برای نخستین بار است که وارد ایران می‌شود.

به اعتقاد من اگر عملکرد شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی را با عملکرد شرکتهایی نظیر شرکت سرمایه‌گذاری ساختمان مقایسه کنیم پس می‌بریم که در خیلی از موارد، شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی عملکرد مثبتی داشته است.

معظمی: استحضار دارید که ۲۷ درصد سهام شرکت سرمایه‌گذاری پتروشیمی متعلق به شرکت صنایع پتروشیمی است. بنابراین ما در حد ۲۷ درصد می‌توانیم صحبت کنیم. تاکید ما در هیات مدیره شرکت سرمایه‌گذاری این است که این شرکت غیر از ظرفیت‌سازی و تولید، کار دیگری انجام ندهد. باور ما این است که اگر این روند ادامه یابد می‌تواند در درازمدت هم بماند و سود معقول و منطقی به سهامداران پرداخت کند.



دانش جعفری:

آمارهای موجود نشان می‌دهد که از کل تولیدات پتروشیمی جهان، کشورهای خاورمیانه حدود ۳/۴ درصد از تولید جهان را در اختیار دارند که سهم ایران از این رقم، حدود ۱۵ درصد است.



نداشتیم که وزارت نفت برای ساخت پالایشگاه می‌تواند اجازه بدهد. آیا کسی استقبال کرده است؟ من اعتقاد دارم که این مسایل به شرایط باز می‌گردد و باید پیش‌نیازهایی در جامعه فراهم شود تا بخش خصوصی استقبال کند.

نقدینگی در کشور رقمی حدود ۲۱ هزار میلیارد تومان است. چرا این مبلغ در بخش تولید و سرمایه‌گذاری به کار نمی‌افتد. فضای موجود، فضایی نیست که افراد در بخش تولید سرمایه‌گذاری کنند. قطعاً فرمایش آقای دانش جعفری را می‌پذیرم که باید واحدهای را ساخت و حتماً هم باید آن واحد اقتصادی باشد. مگر می‌توان واحد غیراقتصادی را واگذار کرد. دولت اگر می‌خواهد موفق باشد باید اول واحدهای اقتصادی را واگذار کند تا مردم استقبال کنند. اگر واگذار کردید و دوباره واحدها را پس نگیرید، افراد بدون دغدغه‌خاطر خواهند آمد. من فکر می‌کنم اگر این شرایط را فراهم کنیم، قطعاً بخش خصوصی از فعالیت در تولید استقبال خواهد کرد.

پتروشیمی آبادان و فازی را واگذار کردیم. اگر به اطلاعات بورس مراجعه کنید خواهید دید که وضعیت سهام این دو کارخانه پتروشیمی چگونه است؟ امروز خوشبختانه مدیریت پتروشیمی آبادان و فازی و کربن دست ما نیست. با واگذاری این کارخانه‌ها تولید افزایش یافته، انگیزه کارکنان آنها بیشتر شده است و وضعیت آنها نیز در بورس، وضعیت قابل قبولی است. اما نکته قابل تذکر این است که مجلس، سال گذشته تصویب کرد که پتروشیمی مبلغ ۵۰ میلیارد تومان اوراق مشارکت به مردم عرضه کند. در حالی که به ما مجوز فروش بیست میلیارد تومان داده شد و این رقم هم در همان سه روز اول به فروش رفت.

برداشت ما این است که امروز اقبال در صنایع پتروشیمی بالاست.

نکته دیگر تصویب قانون برای واگذاری شرکتها و کارخانه‌ها در مجلس بود. ابتدا حجم قابل توجهی از کارخانه‌ها به بخش خصوصی واگذار شد. متعاقب آن اجرای قانون اینترگران بود. این مساله باعث نکت و توقف تقریباً دو ساله شد. ضمن احترام به قانون، نظر من این است که ما بایستی کارخانه را به افرادی واگذار کنیم که بتوانند اداره کنند، به سوددهی برسانند و از محل سود آن دولت مالیات دریافت کند. اگر کارخانه‌ای را به افرادی واگذار کردید که توانایی انجام این کار را ندارند قطعاً آن هدف مورد نظر متوقف می‌شود. امروز هم عرض می‌کنم که چاره‌ای جز این نداریم که شرایط واگذاری را تسهیل کنیم و اجازه بدهیم که این صنایع واگذار شوند.

در حال حاضر واگذاری به این صورت است که نهادی می‌فروشد، بانک می‌خرد، بانک می‌فروشد، و نهاد دیگری خریداری می‌کند. همه در یک سیکل بسته انجام می‌شود و به یک بیان، عملاً اختصاصی‌سازی است و عملاً خصوصی‌سازی اتفاق نمی‌افتد. من تاکید می‌کنم که نگاه حاکم در شرکت ملی صنایع پتروشیمی، به هیچوجه این نیست. ما به شدت به دنبال این هستیم که واحدهایمان را بسازیم و واگذار کنیم. طرجهایی که به بخش خصوصی واگذار کردیم برگشت سرمایه بالایی دارند. ما هیچ طرحی را در پتروشیمی شروع نکردیم که برگشت سرمایه آن کمتر از ۲۰ درصد باشد. قطعاً در بخش نفت، شرایط متفاوت‌تر از شرایط در پتروشیمی است. مگر سال گذشته این تبصره را

سنگین خواهد شد و در آینده مشکلات اقتصادی زیادی ایجاد خواهد کرد. اما در مورد فروش سهام، مردم وقتی شریک و عملاً درگیر شدند، ابتکاراتی که آقای دکتر معظمی اشاره کردند خود به خود توسعه پیدا خواهد کرد. نتیجه‌ای که از این قسمت بحث می‌توانم بگیرم این است که تاکتیک و نوع عملیاتی که دستگاه‌های اجرایی برای رسیدن به اهداف مورد نظر انجام می‌دهند خیلی مهم است. برای مثال اگر راه فروش اوراق مشارکت را برویم قطعاً به بن‌بست‌هایی برمی‌خوریم. اما اگر راه تبصره ۳۵ را انتخاب کنیم دستمان خیلی باز است و می‌توانیم بدون انتها به اهداف بلندمدت خودمان هم برسیم.

نکته دیگر در مورد سرمایه‌گذاری‌هایی است که توسط بخش خصوصی انجام شده، ولی هنوز تکمیل نشده است. به نظر می‌رسد در حال حاضر الگوی سرمایه‌گذاری‌های خیلی کلان با توجه به تردید و نااطمینانی‌هایی که در سودآوری آنها وجود دارد، جواب ندهد. اما سهام کوچک را می‌توان جمع‌آوری کرد، توسعه داد و سودش را هم تضمین کرد. بنابراین اگر تضمین در پرداخت سود باشد، استقبال مردم خیلی زیاد خواهد بود و مشکل کمبود سرمایه واحدهای صنعتی هم تا حدود زیادی حل خواهد شد.

آرمان: چون در مورد تامین منابع و مشارکت مردم و کمک به فرایند تبدیل درآمدهای نفتی به سرمایه‌گذاری‌های مولد صحبت می‌کنیم باید عرض کنم که براساس مصوبه مجلس در سال ۱۳۷۶، به تعدادی از وزارتخانه‌ها اجازه داده شد که از طریق تاسیس شرکت‌های سهامی عام به تامین منابع مالی مورد نیاز طرح‌های جدید خود اقدام کنند. از این طریق تعدادی شرکت به صورت عام تاسیس شدند که جنبه صرفاً صوری داشت تا برای اینکه بتوانند از امکان قانونی به وجود آمده استفاده کنند. تنها شرکتی که براساس آن تبصره مجلس به وجود آمد شرکت توسعه معادن روی بود که مردم از خرید سهام آن استقبال کردند. در اثر عملکرد مناسب مدیریت، مجمع شرکت ماه پیش تصویب کرد که به جای ۲۰ درصد سود تضمین شده، ۲۷ درصد پرداخت شود. این یکی از مواردی بود که آقای مهندس دانش‌جعفری اشاره کردند که از طریق سود تضمینی باید اقدام به جمع‌آوری منابع کرد.

من فکر می‌کنم شرکتها می‌توانند از این محمل و بستر قانونی فراهم شده، سهام خود را به مردم عرضه کنند و شرکت ملی صنایع

آرمان:

از چگونگی تقسیم مازاد سه میلیارد دلار در آمد نفتی این نتیجه به دست می‌آید که وضع چندان رضایت بخشی به نفع مدیران تولید و بخش صنعت نیست و دلارهای نفتی باعث افزایش مابانی تولید داخلی نشده است.

عملکرد مادر زمینه تبدیل درآمدهای نفتی به سرمایه‌گذاری‌های مولد نسبت به سایر کشورهای نفت خیز بسیار ضعیف بوده است.



معظمی:

انگای بیش از حد به مساله نفت، بسیار خطرناک و نگران‌کننده است. باید نگاهمان را نسبت به درآمد نفت عوض کنیم.

دستگاه‌های دیگر هم متقاضی‌اند، از نظر اقتصادی، فروش اوراق مشارکت نیز در نهایت منجر به توسعه بخش دولتی خواهد شد. بنابراین روش درست این است که مردم خودشان، به طور مستقیم سرمایه‌گذاری کنند، نه اینکه ما از طریق فروش اوراق مشارکت، دست به سرمایه‌گذاری بزنیم.

نکته‌ای که آقای دکتر آرمان در مورد کانادا مثال زدند، حتی در مورد کشور ما قابلیت الگو برداری دارد. مثلاً به مردم اجازه بدهید که سهام پتروشیمی را خریداری کنند، ولی وزارت نفت با همکاری یکی از بانکها تضمین کند که اگر سود سهام واحدهای مربوط به پتروشیمی از ۱۸ درصد کمتر شد، تا آن مقدار پرداخت کند. بنابراین مردم به جای اینکه اوراق مشارکت خریداری کنند و سود ثابتی بگیرند، سهام پتروشیمی را می‌خرند و سود ثابتی دریافت می‌کنند. فوق عرضه اوراق مشارکت با عرضه سهام این است که در فروش اوراق مشارکت دولت دارای مقداری بدهی می‌شود که خیلی

ما در حال حاضر مرحله راه‌اندازی آزمایشی پلی‌پروپیلن به ظرفیت ۵۰ هزار تن در تبریز را داریم و این در حالی است که از اول سال جاری تاکنون، ۱۶ میلیون دلار پلی‌پروپیلن (P.P) وارد شده است. ارزش دستگاهها که آقای دکتر آرمان اشاره کردند امروز ۴۰ میلیون دلار است و شرکت سرمایه‌گذاری این دستگاه را حدود ۱۴ میلیون دلار خریداری و نصب کرده است و تولید آن هم در آینده بسیار نزدیک وارد بازار می‌شود.

در جمع‌بندی بحث باید بگویم بدون شک چاره‌ای نیست که مشارکت مردم را در بخش صنعت نفت داشته باشیم. اما به عنوان یک کارشناس از مجلس محترم شورای اسلامی درخواست دارم که جرأت و جسارت به مدیران اجرایی بدهد و شرایطی را فراهم کند که اگر کارخانه‌ای واگذار شد و بخش غیردولتی آن را خریداری کرد، این عمل ضدارزش نباشد.

دانش‌جعفری: آقای دکتر معظمی در اظهارات خود به چند نکته اشاره کردند که توضیح می‌دهم. اصل موضوع که باید به مردم فرصت مشارکت داد مورد توافق حاضران است و کسی مخالف آن نیست. واقعیت این است که تبصره ۳۵ با آن ابعاد در مجلس تصویب می‌شود، دست مدیران دولتی به این ترتیب باز گذاشته می‌شود، اما مشاهده می‌کنیم که متأسفانه عملکرد سال ۷۷ صفر است و هیچ کاری در این جهت صورت نگرفته است. البته فکر نمی‌کنم عملکرد سال ۷۸ هم چشمگیر باشد.

روش درست سرمایه‌گذاری

نکته دیگر اینکه ایشان فرمودند سهم پتروشیمی در عرضه ۲۰ میلیارد تومان اوراق مشارکت کم است. من از ایشان سوال می‌کنم که آیا شما به دنبال سرمایه جدید هستید که در داخل بخش به جریان بیفتد و یا دنبال سرمایه‌گذاری جدید هستید که دست خودتان بیاید. اگر منظور داخل بخش است، یک راه دیگر هم وجود دارد که بتوان از آن استفاده کرد. شما براساس تبصره ۳۵، این اختیار را دارید که قسمتی از سهام خود را به مردم واگذار کنید و پولی که از این طریق به دست می‌آورد قطعاً بیش از ۲۰ میلیارد تومان خواهد بود. آن پول را می‌توانید دوباره داخل بخش سرمایه‌گذاری کرده و به این ترتیب مشکل خود را حل کنید. اما اگر بخواهید از طریق فروش اوراق مشارکت، به طور مستقیم این پول را از مردم بگیرید، ضمن اینکه

سرمایه‌گذار خارجی هم فکر می‌کند شرایط برای سرمایه‌گذاری مناسب نیست. بنابراین ما باید شرایط را به گونه‌ای آماده کنیم که نه تنها سرمایه‌گذاران داخلی، بلکه خارجیها هم تمایل پیدا کنند. پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری داخلی در کشور ناشی از مجموعه شرایطی است که در سیستم سرمایه‌گذاری ما حاکم است نظیر نوسانات سیاسی، سوددهی نامطمئن در صنایع، بالا بودن نرخ موثر مالیاتی و....

بنابراین به‌طور خلاصه باید بگوییم اگر هر دو مورد (سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی) را با یکدیگر اصلاح کنیم طبیعی است که سرمایه‌گذاران داخلی به جای رفتن به سمت اقتصاد زیرزمینی، به سراغ تولید و فعالیتهای صنعتی روی خواهند آورد و سرمایه‌گذاران خارجی نیز به تاسی از سرمایه‌گذاران ایرانی، تشویق به سرمایه‌گذاری خواهند شد.

نتیجه‌گیری

آرمان: از آنچه گفته شد چنین بر می‌آید که بخش صنعت و مدیران آن همواره مغبون واقع شده‌اند. شنیدیم که درآمد نفت افزایش یافت، انتظار این بود که بخشی از این افزایش قیمت نفت حداقل به گسترش مبانی تولید داخل و سرمایه‌گذاری اختصاص داده شود، ولی از سخنان آقای مهندس دانش جعفری به‌عنوان نایب رئیس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی مجلس چنین بر می‌آید که این‌گونه عمل نشده است. یعنی دوباره می‌بینیم که درآمدها حتی اگر افزایش یابند به‌سوی تولید هدایت نمی‌شوند.

به‌رحال ما چاره‌ای نداریم اگر می‌گوییم سالی ۷۵۰ هزار شغل باید ایجاد کنیم، یعنی باید سرمایه‌گذاری کنیم، یعنی اینکه بخشی از درآمدهای نفت به سرمایه‌گذاری‌ها اختصاص یابد، ولی مشاهده می‌شود که چنین نمی‌شود. به‌نظر من این جمع یک پیام‌گویا دارد و آن اینکه باید بخش شایسته‌ای از درآمدهای نفت به صنعت و تولید اختصاص یابد و ما حق نداریم که از کیسه نسلهای آینده خرج کنیم.

تدبیر: ضمن سپاس فراوان از حضور میهمانان ارجمند، امیدواریم مجموعه مباحث مطرح شده، گامی ولو کوچک در جهت شناخت هرچه بیشتر راه‌حلهای به‌منظور استفاده بهینه از درآمدهای ارزی و سرمایه‌گذاری در راستای افزایش تولیدات صنعتی و توسعه اقتصاد ملی تلقی شود.

معظمی:

من معتقدم کمبود ارز برای ما بویژه برای بخش صنعت، نعمت است. اگر ما از این فرصت استفاده کردیم و خودمان را ساختیم موفق هستیم، در غیر این صورت همین وضع را خواهیم داشت.



دانش جعفری:

پیشنهاد اصلی من برای سرمایه‌گذاری در نفت این است که مانند خیلی از کشورها، یک صنعت را بسازیم، به مرحله تولید برساییم و سپس به مردم واگذار کنیم. نقش وزارت نفت در این زمینه، یک نقش حیاتی است.

در حال حاضر به‌نظر می‌رسد الگوی سرمایه‌گذاری‌های خیلی کلان باتوجه به تردید در سودآوری آنها جواب ندهد. اما سهام کوچک را می‌توان جمع‌آوری و سود آنها را تضمین کرد.

نمی‌گوییم که بی‌چاره‌چوب! قطعاً می‌توانیم در راستای اهداف نظام، بخشی از انبوه سرمایه‌های سرگردان را جذب کنیم و از این طریق چالشهای اقتصادی را حل کنیم. امیدوارم این بحث سرآغاز یک بررسی کارشناسی و گفتگو فی‌مابین اهل فکر و نظر باشد.

آرمان: در تایید صحبت‌های آقای دکتر معظمی عرض کنم هندوستان که در سال ۹۵، صد میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرده بود، این رقم را در سال ۹۸ به مبلغ چهارمیلیارد دلار رسانده است. حال باتوجه به اظهارات آقای مهندس دانش جعفری که از افزایش درآمدهای نفت فقط چهارصد میلیون دلار باقی می‌ماند، آیا می‌توان با این مبلغ اندک، برای انبوه متقاضیان کار، ایجاد اشتغال کرد؟

دانش جعفری: جذب سرمایه‌گذاری خارجی، اقدامی خوب و هنر است. ولی من اعتقاد دارم که اگر سرمایه‌گذاری داخلی خوب نباشد، قاعدتاً

پتروشیمی هم می‌تواند باتوجه به گشایش ۱/۵ میلیارد دلار اعتبار، به‌عنوان یکی از شرکتهای بزرگ از این طریق تامین منابع کند.

معظمی: من به دو مطلب اشاره می‌کنم، یکی واحدهای پتروشیمی موجود یعنی پتروشیمی‌های اراک، اصفهان و خارک است که سهام هر سه واحد در بورس عرضه شده و با استقبال خوب خریداران مواجه شده است. مطلب دیگر طرحهای پتروشیمی است که براساس قانون، شرکتهای مربوط را به ثبت رسانده‌ایم. کارهای فایننس آنها را دنبال کرده‌ایم و به دنبال آن هستیم که انشاء... سهام آنها را به مردم عرضه کنیم.

به اعتقاد من صنعت پتروشیمی به تعهدات خود عمل کرده و اعتماد مردم در این زمینه نکته بسیار مهمی است. دیگر اینکه میزان سودآوری آن به‌طورنسبی خوب است. علاوه بر این، این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری مطمئن‌تر و با آینده روشن‌تری است. لذا برداشت من این است که از فروش سهام این طرحها استقبال عمومی خواهد شد. ما در این مورد دغدغه‌ای نداریم. انتظار و آرزوی ما این است که گامهایی که باید این فرایند را تسهیل کنند، سریعتر برداشته شوند تا انشاء... مقوله خصوصی‌سازی که موردتایید دولت، مجلس و نظام است جنبه عملی به خود بگیرد و محقق شود.

سرمایه‌گذاری خارجی

در همین رابطه و در پایان بحث، بی‌مناسبت نیست که اشاره‌ای به سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشیم. عده‌ای می‌گویند سرمایه‌گذاران خارجی کلاه سر ما می‌گذارند. به عقیده من این سخن درستی نیست. زیرا ما براساس نیازهای کشور و منافع ملی، دست به سرمایه‌گذاری خارجی می‌زنیم. کشور چین در سال ۱۹۹۸، مبلغ پنجاه میلیارد دلار جذب سرمایه‌گذاری خارجی کرده است. من از کشورهای عربی منطقه نظیر عربستان و کویت بازدید فنی داشته‌ام. آنها با استفاده از سرمایه‌گذاری‌های خارجی پیشرفته‌ترین تکنولوژی و بهترین توانمندیها را به خدمت گرفته‌اند. این‌گونه نیست که خارجیها واحدهای صنعتی و تولیدی آنها را اداره کنند. صنایع نفتی عربستان توسط متخصصان و مدیران توانمند این کشور اداره می‌شود. ما نباید بی‌جهت از جذب سرمایه‌گذاری خارجی نگران باشیم البته هم



حسن تاش:

در صنایع بسیار متحول مانند صنایع پتروشیمی، مزیت نسبی با عوامل تولید نیست، بلکه مزیت نسبی در تکنولوژی است.



حسن تاش:

تعاریف ما از واژه‌هایی چون مزیت نسبی و امتثال آن کهنه و غلط است و این تعاریف غلط ما را در انتخابها دچار اشتباه می‌کند.

یادآوری: آقایان سید غلامحسین حسن تاش مدیر مسئول مجله اقتصاد انرژی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی و مهندس رضا فرمند کارشناس ارشد انرژی دوتن از مدعوین میزگرد این شماره تدبیر به دلایل پیش‌بینی نشده فرصت حضور در این نشست مدیریتی - اقتصادی را پیدا نکردند. لذا پاسخهای این دو عزیزان - به‌طور کوتاه - به‌صورت مکتوب دریافت شد. ضمن سپاس از این اساتید محترم، متن پاسخها و نظرات دریافتی را به ترتیب پس از پرسشهای مطرح شده می‌خوانید.

پرسشها

- ۱ - به‌نظر شما افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی تحت تاثیر چه عوامل و شرایطی بوده و این مساله تا چه حد می‌تواند باثبات و پایدار باشد؟
- ۲ - با توجه به افزایش نسبی درآمدهای نفتی کشور در سال جاری (طبق برآورد انجام شده از این طریق تا پایان سال جاری مبلغ سه میلیارد دلار مازاد درآمد علاوه بر درآمدهای پیش‌بینی شده، حاصل می‌شود) چگونه می‌توان دلارهای نفتی را به کالاهای سرمایه‌ای و مولد تبدیل کرد؟
- ۳ - انتظارات بخش صنعت و کارشناسان اقتصادی از افزایش درآمدهای ناشی از نفت چیست؟
- ۴ - چگونه می‌توان سرمایه‌گذاری در صنعت نفت را به گونه‌ای که ارزش افزوده بالایی به دست آورد ایجاد کرد و توسعه داد؟
- ۵ - چه نوع مزیت‌های نسبی برای سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و پتروشیمی کشور وجود دارد؟

پاسخهای آقای سید غلامحسین حسن تاش

در پاسخ به پرسش اول باید عرض کنم که افزایشهای اخیر در قیمت نفت تحت تاثیر عوامل زیر است:

- ۱ - پدیده Y2K و نگرانی که کشورهای مصرف‌کننده صنعتی نسبت به اثرات Y2K بر روی تولید و بارگیری نفت خام دارند و احتمال می‌دهند که در جریان عادی نفت اختلال ایجاد کند.

- ۲ - پایداری نسبتاً خوب اعضا اوپک به تمهیدات خود در قبال تصمیمات اوپک، مبنی بر کاهش تولید.
 - ۳ - تبلیغات غرب و کشورهای صنعتی در جهت وادار کردن اوپک به تجدیدنظر در سقف تولید خود.
- در این رابطه لازم به توضیح است که کشورهای مذکور برای ایجاد فشار روانی بر روی اوپک وضعیت را به گونه‌ای جلوه می‌دهند که «اگر اوپک تصمیم‌گیری نکند قیمتها بیش از حد و در سطوح غیرقابل قبول و خطرناکی افزایش خواهند یافت» و توجه ندارند که این تبلیغات کاذب یک تیغ دولبه است که یک لبه‌اش کند شده‌است، یعنی اوپکی‌ها به این‌گونه جوسازی‌ها عادت کرده‌اند، اما تاثیر دیگرش نگرانی مصرف‌کنندگان است که موجب التهاب روانی بازار نفت می‌شود.

- ۴ - نوسانات در مذاکرات و توافقات سازمان ملل و عراق برای دور جدید طرح نفت در برابر غذا.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود عوامل تاثیرگذار یادشده، غیر از یک مورد آن عمدتاً عوامل روانی هستند و بنابراین از ثبات و پایداری برخوردار نیستند و نباید تصمیمات اساسی را منوط به آن کرد.

پاسخ به پرسشهای دوم و سوم را به‌طور خلاصه می‌توان این‌گونه بیان کرد که متأسفانه اولاً استراتژی صنعتی کشور تبیین شده و روشن نیست و ثانياً مطالعات تجزیه و تحلیل اقتصادی

طرحها و پروژه‌های سرمایه‌ای در کشور بسیار ناسقص و ضعیف است. ثالثاً تعاریف ما از واژه‌هایی چون مزیت نسبی و امتثال آن کهنه و غلط است و این تعاریف غلط ما را در انتخابها دچار اشتباه می‌کند. به‌نظر بنده سرمایه‌گذاری مولد باید در زمینه‌هایی صورت گیرد که از مطالعات کافی برخوردار بوده مبنی بر استراتژی مشخص باشد و حتمیت توجیه فنی و اقتصادی آن ثابت شده و حداقل موردتایید و توافق چند دانشکده اقتصادی و فنی صاحب صلاحیت کشور قرار گیرد و اطمینان حاصل شود که از نرخ بازده سرمایه مناسب برخوردار است. علاوه بر این تولید موردنظر (صرف‌نظر از مالکیت آن) در شرایط رقابتی صورت پذیرد که کارایی آن در دوره بهره‌برداری نیز تضمین شود. به‌نظر بنده انتظار بخش صنعت و کارشناسان اقتصادی نیز چیزی جز این نیست.

در جواب سوال چهارم باید عرض کنم اگر منظور از صنعت نفت تنها بخش استخراج، تولید و فرآوری و توزیع آن است درحال حاضر نظری ندارم، اما اگر به‌طرز جامع‌تری به مسئله نگاه کنیم بحث بومی کردن صنعت نفت، مطرح خواهد شد. کشور ما از یک فرصت ۹۰ ساله و از یک گستره عظیم به وسعت نزدیک به ۹۰ مخزن نفتی و گازی برخوردار بوده است که صنعت نفت را به مرکز ثقل رشد اقتصادی و توسعه کشور تبدیل نماید. به این معنا که بخش خدمات فنی و تخصصی و بخش تولید صنعتی و حتی دانشگاههای ما می‌توانستند حول این صنعت



فرمند:

**سرمایه گذاری در بخش بالادستی نفت
منجر به دستیابی به بیشترین ارزش افزوده
شده است. این در حالی است که
سرمایه گذاری در بخشهای پایین از چین
مزیتی برخوردار نبوده اند.**

پاسخهای مهندس رضا فرمند

اینجانب سعی می‌کنم به سوالاتی که در حوزه تخصصی خودم قرار دارد به‌طور کوتاه پاسخ گویم. در مورد پرسش اول باید عرض کنم افزایش قیمت نفت در ماههای اخیر در بازار بین‌المللی تحت تاثیر مجموعه‌ای از عوامل پدید آمده است که مهمترین آنها عبارتند از تصمیم اوپک برای کاهش سهمیه اعضا و رعایت سهمیه‌ها توسط اعضا، نگهداشت سقف تولید نفت خام اوپک تا حداقل ماه مارس سال ۲۰۰۰. بهبود روابط اقتصادی و سیاسی بین اعضای اوپک، کاهش ذخائر و آثار روانی آن، مشکلات عراق با سازمان ملل متحد در مورد تولید نفت در مقابل غذا، بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای خاور دور و جنوب شرق آسیا، ادامه رشد اقتصاد آمریکا و زمستان نسبتاً سرد سال جاری، به‌نظر می‌رسد در این میان سیاستهای جاری اوپک در مورد رعایت سهمیه‌ها، کاهش ذخائر و بهبود روابط بین اعضای اوپک و بهبود وضعیت اقتصادی در خاور دور و جنوب شرقی آسیا واجد بیشترین تاثیر بوده‌اند. اما اینکه آیا قیمت‌های بالای نفت تاچه زمان از ثبات برخوردار باشد مقوله‌ای است که چندان قابل پیش‌بینی نیست و بستگی به ادامه همه عواملی دارد که به آنها اشاره شد. تجربه نشان داده است در اثر تغییرات عواملی که به آن اشاره شد، قیمت نفت خام پس از برخورداری از یک دوره ثبات می‌تواند با بی‌ثباتی و افت مواجه شود. به همین سبب باید در هزینه کردن درآمدهای نفتی در زمان رونق نهایت دقت را داشته باشیم.

در پاسخ به پرسش چهارم می‌توان گفت اصولاً سرمایه‌گذاری در صنعت از ارزش افزوده بالایی برخوردار بوده است. لکن این حکم در مورد همه اجزاء صنعت نفت مصداق ندارد. ارقام و آمار و تجربه‌های موجود حاکی است که سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت منجر به دستیابی به بیشترین ارزش افزوده شده است. برای مثال متوسط داده‌های بخش تولید در بدترین سالها، به‌ندرت از ۲۰ یا ۳۰ درصد ستاندها بالاتر رفته است. این در حالی است که سرمایه‌گذاری در بخشهای پایین از چین مزیتی برخوردار نبوده‌اند. این مورد در اکثر نقاط جهان صدق می‌کند.

برای ارائه پاسخ درست به سوال آخر باید در مورد اجزاء صنعت نفت قضاوت کرد. مثلاً مزیت‌های نسبی در بخشهای نفت، گاز و پتروشیمی با یکدیگر متفاوت است. در درون بخش نفت نیز مزیتها یکسان نیست و بخش بالادستی و بخش پایین‌دستی دارای مزیت‌های یکسان نیستند. بادر نظر داشتن این مطالب و صرف‌نظر از تفاوتها، می‌توان گفت که مهمترین مزیت‌های نسبی که برای سرمایه‌گذاری در این صنایع وجود دارد در برگیرنده دسترسی به مواد اولیه با قیمت تمام‌شده اندک و دستمزدهای قابل رقابت در قیاس با دستمزد در کشورهای صنعتی است. در مقابل نیز عدم مزیت‌هایی وجود دارد که باید به آنها نیز توجه شود. برای مثال هزینه‌های قابل توجه به منظور تامین سرمایه‌های ارزی موردنیاز برای دسترسی به تکنولوژی‌هایی که در کاهش هزینه‌های تولید و افزایش کیفیت محصول و در واقع بر افزایش بهره‌وری تولید، آثار تعیین‌کننده دارند. در این میان بخش نفت به سبب برخورداری از قیمت‌های نسبی بهتر، از مزیت نسبی و رقابتی بالاتری برخوردار است. □

توسعه یابند و بتوانند نیازهای این صنعت را تامین نمایند و در این صورت در صنایع نزدیک به آن، یعنی صنایع شیمیایی و صنایع آب نیز که دو صنعت مهم امروز و آینده جهان هستند متخصص می‌شدیم. باتوجه به نیاز روزافزون جهان به نفت و گاز، تولیدات مربوط به عرصه موردبحث از یک بازار تضمین شده داخلی و بین‌المللی نیز برخوردار بوده‌ و هست. اما متأسفانه هنوز وضعیت به این‌گونه است که تصمیم ما به توسعه صنایع نفتمان برای دهها و صدها تولیدکننده کالا و خدمات در سایر نقاط جهان بازار، فعالیت و اشتغال ایجاد می‌کند.

در مورد سوال پنجم باید عرض کنم به‌نظر من در صنایع بسیار متحول مانند صنایع پتروشیمی مزیت نسبی با عوامل تولید نیست، بلکه مزیت نسبی در تکنولوژی است و به‌عبارتی صاحبان فن‌آوری و ابتکار، دارای مزیت نسبی هستند، چرا که درست در زمانی که شما در حال خرید فرایندی هستید که فکر می‌کنید جدیدترین و آخرین فرایند موجود برای تولیدی خاص است ممکن است همین فرایند از نظر فروشنده جدیدترین نباشد، چرا که او از آنچه در مراکز تحقیقاتی و آزمایشگاههای خود می‌گذرد مطلع است و شما مطلع نیستید. بنابراین چنانچه فروشنده بعد از فروش فرایند موردنظر توانست با به‌کارگیری فرایندهای جدید هزینه‌های تولید خود را کاهش داده و کیفیت کالای خود را (متناسب با نیاز و ذائقه بازار) افزایش دهد، شما قادر به رقابت با او در بازار جهانی نخواهید بود. □